

زن، آن آزادِ اسیر

www.ketab.ir

الهام اسلام پناه

سرشناسه	اسلام پناه، الهام، ۱۳۶۷ -
عنوان و نام پدیدآور	زن، آن آزاد اسیر/ الهام اسلام پناه.
مشخصات نشر	کرمان: امید کویر، ۱۳۹۸.
مشخصات ظاهری	۲۴۶ص: ۲۱/۵×۱۴/۵ س.م.
شابک	۲۹۰۰۰۰ ریال ۱-۲-۶۶۹۲-۶۲۲-۹۷۸:
وضعیت فهرست نویسی	فیبیا
یادداشت	یادداشت.
موضوع	زنان در اسلام
موضوع	Women in Islam:
موضوع	حقوق زن -- جنبه های مذهبی -- اسلام
موضوع	Women's rights -- Religious aspects -- Islam:
موضوع	زنان -- آداب و رسوم و زندگی اجتماعی
موضوع	Women -- Social life and customs:
موضوع	زنان -- وضع اجتماعی -- تاریخ
موضوع	Women -- Social conditions -- History:
ده بنده نگاره	BP۲۳۰/۱۷۲:
رده بندی دیسی	۲۹۷/۴۸۳۱:
شماره کتابخانه ملی	۵۷۲۳۱۲:



زن، آن آزاد اسیر

نویسنده: الهام اسلام پناه

ناشر: انتشارات امید کویر

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

شابک: ۱-۲-۶۶۹۲-۶۲۲-۹۷۸

قیمت: ۲۹۰,۰۰۰ ریال

آدرس: کرمان، خیابان شریعتی، بعد از کوچه ۱۰، پاساژ سجاد، پلاک ۱۳۴

مرکز پخش: ۰۹۱۹۶۶۴۰۶۴۰ - ۳۲۲۶۲۸۳۴ - ۰۳۴

فصل اول: بیان شخصیت و خلقت زن

۲۵	تعریف انثری زن
۲۵	زنانه‌ی
۲۶	مفهوم شخص و شخصیت
۲۷	شخصیت زن
۲۹	سفارش به حقوق و شخصیت زن
۳۰	دلیل خلقت زن
۳۲	هدف از خلقت زن و مرد

فصل دوم: کدام زن آزاد؟

۳۵	تعاریفی از آزادی
۳۵	تعریف آزادی در باور برخی از فیلسوفان اروپا
۴۲	تعریف آزادی از نظر اندیشمندان اسلامی
۴۵	اختیار و اراده
۴۷	آیات کلام وحی در خصوص قدرت اختیار و آزادی انسان
۴۹	اختیار، حقیقتی وجدانی
۵۰	آزادی به چه قیمتی؟
۵۲	آزادی دارای پنج شرط است
۵۲	آزادی اروپا- حرمت زن + حراج انسانیت = افزایش حیوانیت
۵۴	زنان اسیر متمدن، یا آزاد اسلامی؟

فصل سوم: گزیده ای از ظلم های وارده به منزلت زن

- ۶۷ سخنان دکتر شریعتی در مورد زن
- ۶۸ صاحبان قدرت، قوانین اسلامی را رعایت کنند
- ۷۰ ظلم به جنس ظریف
- ۷۱ چه کسی ضرر رسیده و می رسد؟
- ۷۳ خونت علیه زنان
- ۷۸ حریت و برتری زن عربی
- ۸۶ حرمت و منزلت زن اسلامی
- ۹۴ حقوق زن از دید اسلام، یا اسلام؟
- ۱۱۶ خانواده اسلامی یا تسختمه، تسختمه...؟
- ۱۲۵ دلایل تنزل جایگاه زنان نسبت به جامعه نبوی

فصل چهارم: فقر و بی کاری زنان عاملی برای جرم

- ۱۲۹ سازگاری و مقاومت
- ۱۲۹ از خود بیگانگی کارل مارکس
- ۱۳۰ کارگران ستم کشیده، زنان ستم کشیده
- ۱۳۱ بیکاری و فقر علتی است برای جرم یا به عکس
- ۱۳۴ زنان، حق کسب درآمد و مالکیت در آن
- ۱۳۹ زنان و حق کسب علم
- ۱۴۳ تن فروشی چیست؟
- ۱۴۵ فقر و بیکاری علتی برای تن فروشی
- ۱۴۷ فساد چیست؟
- ۱۴۷ فساد اخلاقی

۱۴۷	زنان فاسد
۱۴۸	افساد فی الارض

فصل پنجم: بررسی اشتغال و کار خانه داری زن

۱۵۱	امور، استخدامی و کارگری (از آیین نامه مرخصی ها)
۱۵۴	نگاهی به تبعیض جنسیتی در حوزه اشتغال زنان
۱۵۶	خلاصه ای از آمار اشتغال زنان غربی
۱۵۸	کار رایج خان داری
۱۶۰	کار منزل برعهده زن است یا مرد؟
۱۶۳	کار منزل وظیفه خانگی است
۱۶۴	ارزش خانه داری در اسلام
۱۶۶	تقسیم کار در خانه
۱۶۹	اشتغال زنان سرپرست خانوار جامعه مورد مطالعه
۱۷۱	مشکلات عمده اقتصادی زنان جامعه مورد مطالعه

فصل ششم: تطبیق پوشش اسلامی و غربی زن

۱۷۳	پوشش زن در اسلام
۱۷۷	رعایت عفاف و حجاب زن
۱۸۰	بی حجابی
۱۸۲	روایاتی در خصوص عواقب زنان بی حجاب
۱۸۳	فواید حجاب زن در اسلام
۱۸۶	قوانین پوشش زن در برخی جوامع غرب
۱۸۷	بدحجابی علت افزونی بیماری روانی
۱۹۰	مضرات عدم رعایت حجاب در غرب
۱۹۳	عوارض جسمی و روحی بدحجابی

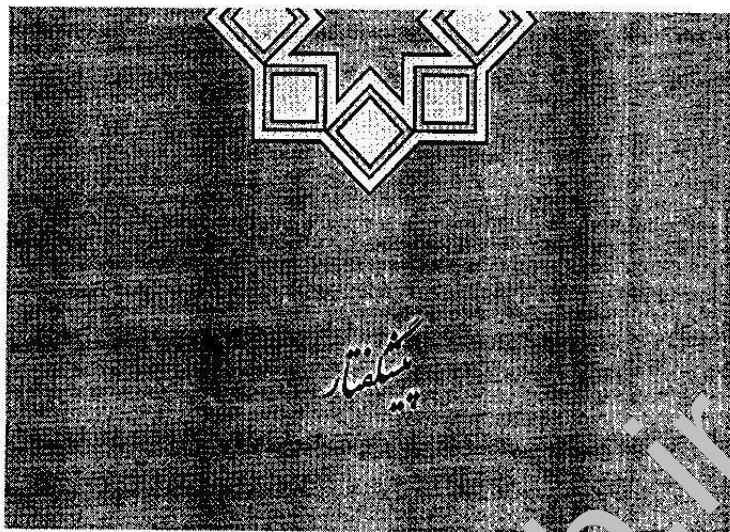
فصل هفتم: وضعیت اجتماعی و سیاسی زن در عصر جاهلیت، بعد

اسلام و از منظر غرب

۱۹۷	اختصار وضعیت زن قبل از اسلام
۲۰۱	جایگاه اجتماعی زن در عصر جاهلیت
۲۰۴	موقعیت سیاسی زن در عصر جاهلیت
۲۰۶	موقعیت اجتماعی زن در اسلام
۲۱۳	موقعیت سیاسی زن در اسلام
۲۱۶	ملکد سیاست رقران
۲۱۹	موقعیت اجتماعی زن در اسلام
۲۲۱	موقعیت سیاسی زن در اسلام
۲۲۶	خلاصه ای از مشارکت زنان در سیاست

مراجع

۲۲۹	الف: کتب فارسی و عربی
۲۴۰	ب: پایان نامه ها
۲۴۰	پ: مقالات
۲۴۳	ت: نشریات
۲۴۳	ث: سایت ها



پیشگفتار

به این علت که بعضی از مطالب ارائه شده در مجموعه پیش رو بر گرفته از آیات و تفسیر قرآن کریم است، قبل از شروع در مباحث، این موضوع مهم را متذکر می شویم که قرآن کریم در بیان حقایق، سیوه کلی گری را که موجب ابهام می شود به کار نبرده، بلکه در ضمن مثال با باز نمودن استدلال و مشخصات در یک فرد، حقیقت را بیان می فرماید و جهات مختلف آن را در رد و توبه قرار داده و در چند مورد به مناسبتی یکی از آن جهات را شرح می دهد.

بی شک معنای این سخن که همه افراد، اعم از زن و مرد و جوان و پیر و زنده و مردود می شوند تردیدی نیست، البته اگر کلی بودن مطلب را در نظر بگیریم، اما در انسانیت (انسان بودن، اخلاق نیک، مروت، مردمی و...) آدم ها فرقی اساسی وجود دارد؛ به عقیده من اینجاست که به یک مفهوم جزئی اشاره می کنیم، مثلاً: گاه یک فرد می تواند با کسب فضیلت و اعمال شایسته به مرتبه قرب الهی برسد و گاه با رفتن به سمت گناهان (کبیره و صغیره)، و با انجام دادن آنها، به حدی از صراط مستقیم ربانی دور شود که مقامش در پایین ترین مراتب قرار گیرد؛ قطعاً

انسانیت، با منش و روح چنین فردی بیگانه است. بنابراین واقعیت یاد شده در این قسمت، رسیدن به مقام تقوا (پرهیزگاری و اطاعت از خدا) شامل جنس خاصی نمی‌شود، فرد مؤمن می‌تواند مرد باشد یا زن.

خداوند انسان را از دو جنس مؤنث و مذکر که مکمل یکدیگر هستند خلق کرد و آنها را محتاج، همدم و شریک قرار داد؛ چرا که وقتی یکی از آن دو نباشد، آشکار است که اصلاً خانواده‌ای تشکیل نخواهد شد، اگر هم خانواده‌ای تشکیل شود رسالت به سبیل زن و مرد از یکدیگر جدا شوند، زندگی اجتماعی به ویژه بخش مهم آنکه اخلاص دارد به خانواده، مختل می‌گردد. یعنی همان‌گونه که فرزند به والدین خود پدر و مادر نیاز ضروری دارد، زن و مرد نیز به هم نیازمند می‌باشند و در حقیقت، یک زندگی مشترک وقتی برای اعضای تشکیل دهنده‌اش معنا و مفهوم واقعی دارد که همه، از افراد، اعم از: فرزندان، پدر و مادر در کنار هم، برای خشنودی خدا و یکدیگر زندگی کنند. اگر چنین باشد جمع خانواده کامل می‌شود و برای هم بودن، رنگ و بوی سحتی را می‌دهد که خداوند به خانواده‌ها عطا فرموده است.

اشاره کردن کلی به جمله فوق (در کنار هم بودن) این مفهوم نیست که فرزندان تا ابد همراه والدین خود در یک منزل زندگی کنند، چون مسلم است در این باره مقررات و اصول مربوط به مسائل زناشویی نباید نادیده گرفته شود. یعنی فرزندان تا قبل از ازدواج همراه والدین زندگی می‌کنند و از آن پس بنا بر دلایل تجربی، علمی و شرعی (برای جلوگیری از برخی اختلافات سلیقه‌ای، دینی و...) محل سکونت آنها از هم جدا می‌شود. البته جدایی محل سکونت، دلیل بر عدم رسیدگی به اموری نیست که دین اسلام به رعایت آنها نسبت به یکدیگر سفارش فرموده است. شرح این مطالب، بحث گسترده‌ای را می‌طلبد که خارج از مبحث

حاضر است.

حال باید پنداشت که همه اعضای خانواده از نظر اسلام حق و حقوقی از زندگی مشترک دارند؛ حق (زن بر مرد، مرد بر زن، فرزند بر والدین، والدین بر فرزندان).
 اشاره به حقوق اعضای خانواده بر یکدیگر، همه مردم همان گونه که توقع دارند توسط افراد یک جامعه (یا مثلاً: سایر جوامع، البته در حد قابل توجهی) حقوق شهروندی آنها رعایت شود، باید حقوق جامعه انسانی را محترم بدانند. اما اینکه اشخاص با مسئولیت دارند در جامعه سهیم باشند، بستگی به نوع مسئولیت و درجه آنان دارد. امروزه فردنگ غربی یا بهتر است بگوییم: فرهنگ غریب و بیگانه با شعار حمایت از حقوق بیگانه به ویژه حقوق زنان، قصد دارد بدون توجه به حرمت ها، درجه ها و مسئولیت ها و اگذار شده از جانب خداوند به زن و مرد، لطمه ای عمیق و جبران ناپذیر به انسانیت و جامعه اسلامی وارد کند. ناگفته نماند، تنها بیگانگان نیستند که در تاریخ و حتی امروزه نام هایی غیر قابل درک و تحمّل به زن روا داشته اند و می دارند، در همین نزدیکی های ما کسانی هستند نه تنها با رفتار خود، بلکه در گفتارهای خود، سخنانی زار و روی بی اطلاعی می گویند و یا به احادیثی تحریف شده درباره ارزش و حقوق زن در میان حق و حقوق مرد اشاره می کنند که با هیچ یک از منابع اسلامی، عقلانی و علمی سخنی ندارد. با وجود تفاسیر بیان شده، این نکته را نباید نادیده گرفت که خود زنان نیز در حق خستیم کرده اند و می کنند.

مقصودمان از بیان واژه حقوق زن به قیمت بیگانه شدن یعنی: هر دین و مذهب غریبه ای (شامل همه جوامع می شود) که اعتقادات و مقرراتش مطابق با کلام خداوند نباشد. اندک اندک مباحث کتاب را که مربوط می شود به زن، آن آزاد اسیر! سوق می دهیم. می خواهیم فرهنگ اسلامی که در واقع حقوقی اسلامی

است و از فرموده های کلام الله به علاوه برگرفته از احادیث و منابع معتبر، و قابل تأمل و تحلیل می باشد را در این باره تا حد امکان شرح بدهیم و همچنین جزئی از عقیده های شیطان صفت عده ای جاهل و کذاب را بیان کنیم.

طبق قوانین اسلام (آنچه که مربوط به عدالت اجتماعی درباره زن بود) تا حدی احسان شده، ولی بیشتر مردهایی که خود را پیرو اسلام می خواندند، به خاطر سست ایمانی، قوانین اسلام را در روابط شخصی خود با زن ها، نادیده گرفتند و همچنان به ستمگری خود علیه این جنس ظریف و ضعیف ادامه دادند. این گونه مردها از حاکمیت مطلق انانی خود، دست برنداشتند و زن را در برابر خواسته های خویش، تسلیم الاطاعت قرار دادند. حتی قدم را فراتر نهاده و انتظاراتی از زن داشتند که او بر انجام آنها قادر نبود. او را در چیزهایی گناهکار شمردند، که کمترین تقصیری نداشت.

از جمله دلایلی که زن را در طهارت و اخلاق از حقوق انسانی و صنفی خود بی بهره کرده است، می توان به فرهنگ های غیر اسلامی اشاره نمود که در جعل و تحریف روایات اسلامی و نیز برداشت های خاص از متون دینی مؤثر بوده اند. در جایی که قرآن کریم برای زن شخصیتی معادل با مرد قائم کرده، او را در کسب ارزش ها و معیارهای انسانی و قرآنی توانمند و مستعد معرفی می کند، برخی تحت تأثیر روحیه مردسالاری، افکار و اندیشه های جاهلی و اعتماد بر اسرائیلات - بی توجه به نصوص قرآنی و روایی - به عنوان مثال: بی مهابا به نقصان عقل و ایمان زن حکم کرده و آن را دستاویز بهره کشی از جنس زن و محدود کردن او در حصار خانه قرار داده و او را به محرومیت از علم آموزی و تحصیل مراتب عالیة انسانی، قانع نگاه داشته اند. این جریان در طول تاریخ در جنبه های مختلف فرهنگ رخنه کرده و

به صورت فرهنگی دینی رخ نموده است، تا جایی که زنان نیز به این باور غلط در مورد خود، معتقد و راضی شدند و دم برنیاوردند.^۱

چون خداوند قبل از هر بحثی به آیات کتاب آسمانی درباره خلقت انسان، و مجازات گناهان دو جنس و حتی بها دادن آنها به یک اندازه اشاره ای داشته باشیم، با آیات ذیل توجه خواهیم شد همه برابرند و هیچ کس محکوم نیست، مگر طبق کلام وحی که می تواند مابقی تفاوت داشته باشد؛ پس تقواست که مقام انسان را با ارزش و جایگاه و رتبه اساسی می دهد.

مبدأ آفرینش زن و مرد از نگاه کلام الله: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهُ زَوْجًا مَتَّكِئًا مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيرًا وَنِسَاءً وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي تَسَاءَلُونَ بِهِ وَالْأَرْحَامَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَيْكُمْ رَقِيبًا»^۲

ای مردم از پروردگارتان که شما را از یک جنس واحد آفرید و جفتش را نیز از او آفرید و از آن دو مردان و زنان بسیاری پراکنده کرد، پروا دارید، و از خدایی که به نام او از همدیگر درخواست می کنید، پروا نمایید، و خدای را که بر شما نگرش دارد - که خدا همواره بر شما نگهبان است.

مفاد آیه مزبور ابتدا این است که همه انسان ها از هر جنس خواه زن و خواه مرد، زیرا کلمه ناس شامل همگان می شود- از یک ذات و در هر خان شده اند و مبدأ قابل آفرینش همه افراد یک چیز است، و دوم اینکه اولین زن ها سرآئین مرد است او هم از همان ذات و گوهر عینی آفریده شده، نه از گوهر دیگری و نه فرع بر مرد و زاید بر او و طفیلی وی. بلکه خداوند اولین زن را از همان ذات و اصلی آفریده است که همه مردها و زن ها را از همان اصل خلق کرده است.^۳

۱. شخصیت زن در قرآن و کتاب مقدس، دل آرا نعمتی پیرعلی، ص ۱۳۶ و ۱۳۷.

۲. نساء، آیه ۱.

۳. زن در آینه جلال و جمال، آیت الله جوادی آملی، ص ۴۴.